



ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها ... تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف به لرزه درمی‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیها السلام فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده ... می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا.



ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد. ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی علیهما السلام و «صحیفه سجادیه» این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.



من اکنون به ملت‌های شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده، و لحظه [ای] از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزل در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکند؛ و بدانند که هرچه رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اشتلم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد. «إِنَّهُ وَلِيُّ النَّعَمِ وَبَيِّدَهُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ».

و با کمال چد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند.



و ما و ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغات جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگ‌های جنگی‌اش و آنهمه دولتهای سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروتهای بی‌پایان ملت‌های مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله ارواحنا لله آنگنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود! و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شود! و این نیست جز به مدد‌های غیبی حضرت باری تعالی - جلت عظمت - که ملتها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده ... توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند [باشند]...



ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ... خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه‌افکنیهای بی‌حساب قلمداران و زبان‌مُزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضدملی ... و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه ... برای کشیدن نسل جوان فعال به فساد و بی‌تفاوتی... بود؛ ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاری‌های حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است... و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است.



و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند، که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است.

و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچ‌گاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم‌السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملتهاست بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد.

می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از یبدا بنی‌امیه لعنة الله عليهم با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم‌شکن است.



بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ ... که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است.

اینجانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است.

بی‌جهت نیست که بوق‌های تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام خود را صرف شایعه‌ها و دروغ‌های تفرقه‌افکن نموده‌اند و میلیارد‌ها دلار برای آن صرف می‌کنند...

امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه برانداز است.



اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است... اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده، و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.



{گاه} این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه ... به گونه طرفداری از قداست اسلام {است}؛ که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و... و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه و حکومت و سیاست ... برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است... نقشه موزیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می دانند. باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آن ها این مصیبت ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومت های وسیع داشته اند و حکومت علی بن ابیطالب علیه السلام نیز با همان انگیزه، به طور وسیع تر و گسترده تر از واضحات تاریخ است.



از توطئه های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه های معاصر، و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می خورد، تبلیغات دامنه دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت ها و خصوص ملت فدakar ایران از اسلام است. ادعای آنکه اسلام با نوآوردها مخالف است... یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه ای می گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند؛ گرچه غرب و شرقزدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می کنند.



می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فدakarی های می کنند و چه حماسه های می آفرینند... و می بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبه رو می شوند. و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند، و نه در محضر امام معصوم صلوٰت الله علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندی تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم.



من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوٰت الله و سلامه علیهما می باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی کردند و با بهانه هایی به جبهه می رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بد رفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا علیه السلام آن شد که شد.. اما امروز می بینیم که ملت ایران... در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فدakarی های می کنند و چه حماسه های می آفرینند.



اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است... و قبل از توجه به گرفتاریهای این کشور طاغوتزده... و با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن... قبل از آشنایی به مسائل، به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید؛ و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه‌پا... است، رحم کنید.

اینجانب هیچ گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود... لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه؛ با زحمات جانفرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند؛ و اگر این اقلیت اشکال تراش و کارشکن به کمک بشتابند، تحقق این آمال آسانتر و سریعتر خواهد بود.



آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا علیهم‌السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سر رشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است... و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله علیه و آله و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومت‌ها بوده از امور لازمه است.



به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید؛ همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمائید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**. و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان { است } و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید...



اینجانب در اینجا یک وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند و به جوانان، چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم، که بیطرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروه‌ها و دولت‌هایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروه‌ها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضع‌هایشان در پیشامدهای مختلف را، با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند... ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.



از جمله نقشه‌ها... بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است؛ به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر... وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است.

و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصری بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرتهای شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم... من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دام‌ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته ... باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید ... و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید.



از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سال‌های طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روش‌های مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوای کشاندن روحانیت است؛ که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس ... و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد؛ و مع‌الأسف به واسطه بی‌خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشمگیری گرفته شد. { می‌خواهند} اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود... توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند...



اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است.

هرکس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌دگاران و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرت‌ان چپاولگر بین‌المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملت‌ها، کشورها را به دام استثمار می‌کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد.



از مهمات امور، تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیرصالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد؛ و چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جانفرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکرما ب به کشور و ملت وارد شد... موجب شد که هرچه انگلستان و شوروی و اخیراً امریکا خواستند، با دست همین منحرفان از خدایی خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند.

وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند ... و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی، به مجلس بفرستند.



و از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بند و باری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرف نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده، و به اصطلاح آنان «نیمه وحشی» نگه دارند.

و به همه نسل‌های مسلمان توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام‌آدم ساز، دانشگاه‌ها را از انحراف و غرب و شرق‌زدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرت‌های بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.



از جمله نقشه‌ها... بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است؛ به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر... من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دامها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم.

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند؛ و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگیها قیام کنید.

و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارند و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد... به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه...



و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند... و چه بسا که در بعض مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است. پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، و الا کار از دست همه خارج خواهد شد. و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد... و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس، با طبقه تحصیلکرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته ... و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند.



و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان؛ برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود. مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند.

...عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی؛ و چه بسا که در بعض مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.



در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند، و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها... و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شایک که با آگاهی بر علوم اسلامی و جاذبه خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف... ذخیره دارند... [که] با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند.

...علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند.



و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید؛ و مشکلاتی که باشد رفع می‌شود. و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود؛ که اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند، از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیت‌ها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد... [روشن است] اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن، که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند.



وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون، در این زمان که دست ابرقدرت‌ها را از کشور خود کوتاه کردیم، مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرت‌های بزرگ هستیم... و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد.

{همه باید کوشش کنند} چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمیهای دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد.

چه مصیبت بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گرانبهارا که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری‌اند!



و وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید. و علماء اعلام و خطباء محترم کشورهای اسلامی؛ دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند. که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. و اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود.



باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه‌ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند؛ مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارند...

و وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمان‌های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید. و باید بدانید که وابستگی در بعض امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید. و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست.



وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستہ گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید.

با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شماستم پیشگان پست‌ها را اشغال می‌فایند. بنابر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز نمایید.



اگر شخصیت‌های پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند، از دانشگاه‌ها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود.

و دانشگاه‌ها اگر اسلامی - انسانی - ملی بود، می‌توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه تحویل دهد؛ لکن چه غم‌انگیز و اسفبار است که دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی؛ همه از غریزدگان و شرقرزدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاه‌ها کرسی داشتند؛ و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرت‌ها بزرگ شده و به کرسی‌های قانونگذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند، و بر وفق دستور آنان، یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می‌کردند.



از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشجویان که به واسطه اهمیت فوق‌العاده‌اش تکرار نموده و با اشاره می‌گذرم.

باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاه‌ها بوده است. اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب‌کن بر ملت محروم غارت‌زده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج‌دیده در جیب قدرتهای شیطان ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و ... صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند.



و من به همه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی، وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادیخواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می‌کند، چنانچه امروز وفاداری؛ در وفاداری استقامت کنید. که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگی‌ها و پیوستگی‌ها به قدرت‌هایی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم‌پذیری نگه می‌دارند نجات می‌دهد. و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید. و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود و از دیوژگی از دشمن نجات یابد.



وصیت برادرانه من در این قدم‌های آخرین عمر بر قوای مسلح به طور عموم، آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاءالله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید، بیدار باشید و هوشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه‌ای غرب و شرق زده و دست‌های مرموز جنایتکاران پشت پرده، لبه تیز سلاح خیانت و جنایتکارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است؛ و می‌خواهند از شما عزیزان که با جانفشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند...

وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است؛ به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر این‌ها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی‌های سیاسی دور نگه دارند.



{به هواداران داخلی و خارجی گروه‌ها و اشخاص ضد جمهوری اسلامی و ملت} نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند... تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟

شما در این سال‌های پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است و می‌دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهای تان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه‌ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم. و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می‌رسد و شائبه قدرت‌طلبی در آن نیست گوش فرا دهید...



{به هواداران داخلی و خارجی گروه‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند}...

وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهانخوار خدمت می‌کنند و از نقشه‌های آن‌ها پیروی می‌کنند و ندانسته به دام آنها افتاده‌اند به هدر می‌دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می‌کنید؟ شما بازی خوردگان دست آن‌ها هستید... شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خانه‌های مجلل تیمی با زندگی اشراف، نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می‌دهند و شما جوانان را به کام مرگ می‌فرستند.

تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟



وصیت من به گروه‌ها و گروهک‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید به شماها - که خود را عالم و عاقل می‌دانید - باید آموخته باشد؛ که مسیر یک ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ‌پردازیهای ... غیرحساب شده منحرف کرد...

من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بی‌فایده و غیرعقلانه بردارید و گول جهان‌خواران را نخورید و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدیک، به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان‌شاءالله می‌گذرند و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید؛ و الا در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است.



و وصیت من به گروه‌های مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احياناً به شرق تمایل نشان می‌دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد، گاهی طرفداری می‌کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام، از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می‌کردند و طعن می‌زدند، آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهادت اسلامی به خطای خود اعتراف، و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم‌صدا و هم‌مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید؛ و کلام مرحوم مدرس؛ آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت: «اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم؟»

من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم.



و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال‌تراشان و صاحب‌عقدگان آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار برید، و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرت‌ها سوق دهید، با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید، و انگیزه باطنی خود را که بسیار می‌شود خود انسانها از آن بیخبرند، بررسی کنید، ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید و به اختلاف‌انگیزی و توطئه‌های خائنه دامن می‌زنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز می‌کنید؟



اگر ما... با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیای عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم؛ و باید به خود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند؛ و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند.

... شما مسلمانان پاینده به ارزش‌های اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد؛ و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خودکفایی پیشروی می‌کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می‌دادند، امروز به طور چشم‌گیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و ان‌شاءالله تعالی در دراز مدت انجام خواهد گرفت. و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت؛ و اگر شده بود، ایران غارتزده غیر از این ایران بود.



یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است- بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند... و نه رژیم‌هایی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند... بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود چرخ‌های اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد.

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس‌جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده؛ و تحت تأثیر تبلیغات... واقع نشوید، و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید، و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیت‌های سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند.



به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال‌تراشان و صاحب‌عقده‌گان... آیا از یاد برده‌اید ستم‌هایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم پنهان روا می‌داشت؟ آیا می‌دانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای آمریکا بود و با آن عمل یک مستعمره می‌کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخائر آن چه می‌کردند؟ آیا اشاعه فحشا در سراسر کشور و مراکز فساد... از خاطرتان محو شده؟ ... و با کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می‌کنند و بر ضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان - که اسفناکز از قیام مسلحانه است- نموده‌اند، پیوند می‌کنید و دست برادری می‌دهید؟... در کنار بازیگرانی که فاجعه چهارده اسفند را برپا کردند و جوانان بیگناه را با ضرب و شتم کوبیدند نشسته و تماشاگر معرکه می‌شوید؟... و عمل دولت و قوه قضاییه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای اعمال خویش می‌رسانند، شما را به فریاد درآورده و داد مظلومیت می‌زنید؟



وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حاکم و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرت‌های بزرگ جهان خوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است، مشاهده کردیم یا تاریخ‌های صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپر نشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده‌اند...!

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغات ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید...



و اما به آن دسته که از روی بعض اشتباهات یا بعض خطاها، چه عمدی و چه غیرعمدی، که از اشخاص مختلف یا گروه‌ها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند...

باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیه‌الله ^{روحی فدای} یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد... و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد و شماها روزی از کردار خود پشیمان می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد.

و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد. و آن روزی که ان شاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک‌روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوشش‌ها و فدکاری‌ها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند.



و اما به آن دسته که از روی بعض اشتباهات یا بعض خطاها، چه عمدی و چه غیرعمدی، که از اشخاص مختلف یا گروه‌ها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است؛ با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق... و گرفتاری‌های این جمهوری را در نظر بگیرید... از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حملهٔ مسلحانهٔ خارج مرز و داخل، و نفوذ غیر قابل اجتناب گروه‌هایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی و... اینجانب نصیحت متواضعانهٔ برادرانه می‌کنم که... برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند. و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد... اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد؛ و شماها روزی از کردار خود پشیمان می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد...



وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی‌هاها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و با مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمک، و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پول‌های گزافی که از سرمایه‌داران بی‌خبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمک‌های کلان می‌نمایند، آن است که شماها طرقي از این غلط‌کاری‌ها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید - و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید - تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم هم‌صدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاری‌های ملت به دست آمده حمایت کنید، که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید.



یک مرتبهٔ دیگر در خاتمهٔ این وصیتنامه، به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان، حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیتها؛ مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علؤ رتبهٔ آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخاستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصودی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایدهٔ توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده... و راهیانی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد... شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می‌روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است... شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیاء علیهم‌السلام و یکتا راه سعادت مطلق است.



وصیت من به همهٔ مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند... و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپردهٔ آنان نترسید! و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.



تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر ان شاء الله تعالی مصون است...

و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید. و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد. با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.



یک مرتبه دیگر در خاتمه این وصیتنامه، به ملت شریف ایران وصیت می کنم که در جهان حجم تحمل زحمتهای و رنجها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخواستید... والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصودی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده... و خواهد شد...

شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است... شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیا علیهم السلام و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را «احلی من العسل» می دانند؛ و جوانان شما در جبهه ها جرعه ای از آن را نوشیده و به وجد آمده اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید بحق بگوییم یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً.

گوارا باد بر آنان آن نسیم دل آرا و آن جلوه شورانگیز.



تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر ان شاء الله تعالی مصون است...

و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید. و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد. با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.



یک مرتبه دیگر در خاتمه این وصیتنامه، به ملت شریف ایران وصیت می کنم که در جهان حجم تحمل زحمتهای و رنجها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخواستید... والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصودی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده... و خواهد شد...

شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است... شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیا علیهم السلام و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را «احلی من العسل» می دانند؛ و جوانان شما در جبهه ها جرعه ای از آن را نوشیده و به وجد آمده اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید بحق بگوییم یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً.

گوارا باد بر آنان آن نسیم دل آرا و آن جلوه شورانگیز.



ما مفتخریم که «باقرالعلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است.

و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی پایان است، یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله وسلامه علیه در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلف ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می کنند.



قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری {است}... چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان، وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد. و مع الأسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستان ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد...

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن، مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآنی - که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می زند - از مقبره ها و گورستان ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است... {به انسان ها عرضه کند}



ما مفتخریم که «باقرالعلوم» بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است.

و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی پایان است، یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله وسلامه علیه در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلف ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می کنند.



قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری {است}... چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان، وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد. و مع الأسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستان ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد...

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن، مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآنی - که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می زند - از مقبره ها و گورستان ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است... {به انسان ها عرضه کند}



ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها ... تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف به لرزه درمی‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیها السلام فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده ... و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا.



ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد. ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی علیهما السلام و «صحیفه سجادیه» این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.



من اکنون به ملت‌های شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده، و لحظه [ای] از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزل در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکند؛ و بدانند که هرچه رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اشتلم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد. «إِنَّهُ وَلِيُّ النَّعَمِ وَبَيِّدَهُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ».

و با کمال چد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند.



و ما و ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغات جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگ‌های جنگی‌اش و آنهمه دولتهای سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروتهای بی‌پایان ملت‌های مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله ارواحنا لله آنگاه و امانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود! و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شود! و این نیست جز به مدد‌های غیبی حضرت باری تعالی - جلت عظمت - که ملتها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده ... توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند [باشند] ...



ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ... خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه‌افکنیهای بی‌حساب قلمداران و زبان‌مُزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضدملی ... و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه ... برای کشیدن نسل جوان فعال به فساد و بی‌تفاوتی... بود؛ ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاری‌های حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است... و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است.



و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند، که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است.

و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچ‌گاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم‌السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملتهاست بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد.

می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از یبدا بنی‌امیه لعنة الله عليهم با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم‌شکن است.



بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ ... که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است.

اینجانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است.

بی‌جهت نیست که بوق‌های تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام توان خود را صرف شایعه‌ها و دروغ‌های تفرقه‌افکن نموده‌اند و میلیارد‌ها دلار برای آن صرف می‌کنند...

امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه برانداز است.



اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است... اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده، و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.



{گاه} این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه ... به گونه طرفداری از قداست اسلام {است}؛ که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و... و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه و حکومت و سیاست ... برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است... نقشه موزیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند. باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آن‌ها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب علیه السلام نیز با همان انگیزه، به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است.



از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوص ملت فدakar ایران از اسلام است. ادعای آنکه اسلام با نوآوردها مخالف است... یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند؛ گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند.



می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فدakاری‌های می‌کنند و چه حماسه‌های می‌آفرینند... و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند. و این‌ها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند، و نه در محضر امام معصوم صلوٰت الله علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندی تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم.



من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوٰت الله و سلامه علیهما می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه می‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بد رفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا علیه السلام آن شد که شد.. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران... در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فدakاری‌های می‌کنند و چه حماسه‌های می‌آفرینند.



اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است... و قبل از توجه به گرفتاریهای این کشور طاغوتزده... و با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن... قبل از آشنایی به مسائل، به اشکالتراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید؛ و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه‌پا... است، رحم کنید.

اینجانب هیچ گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود... لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه؛ با زحمات جانفرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند؛ و اگر این اقلیت اشکالتراش و کارشکن به کمک بشتابند، تحقق این آمال آسانتر و سریعتر خواهد بود.



آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا علیهم‌السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سر رشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است... و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله علیه و آله و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومت‌ها بوده از امور لازمه است.



به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید؛ همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمائید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**. و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان { است } و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید...



اینجانب در اینجا یک وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند و به جوانان، چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم، که بیطرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروه‌ها و دولت‌هایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروه‌ها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضع‌هایشان در پیشامدهای مختلف را، با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند... ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.



از جمله نقشه‌ها... بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است؛ به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر... وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است.

و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصری بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرتهای شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم... من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دام‌ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته ... باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید ... و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید.



از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سال‌های طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روش‌های مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوای کشاندن روحانیت است؛ که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس ... و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد؛ و مع‌الأسف به واسطه بی‌خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشمگیری گرفته شد. { می‌خواهند} اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود... توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند...



اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است.

هرکس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌دگاران و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرت‌ان چپاولگر بین‌المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملت‌ها، کشورها را به دام استثمار می‌کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد.



از مهمات امور، تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیرصالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد؛ و چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جانفرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد... موجب شد که هرچه انگلستان و شوروی و اخیراً امریکا خواستند، با دست همین منحرفان از خدای خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند.

وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند ... و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی، به مجلس بفرستند.



و از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بند و باری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدن‌تان و مصرف نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده، و به اصطلاح آنان «نیمه وحشی» نگه دارند.

و به همه نسل‌های مسلمان توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام‌آدم ساز، دانشگاه‌ها را از انحراف و غرب و شرق‌زدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرت‌های بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.



از جمله نقشه‌ها... بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است؛ به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر... من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دام‌ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم.

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند؛ و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید.

و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارند و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد... به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه...



و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند... و چه بسا که در بعض مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است. پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، و الا کار از دست همه خارج خواهد شد. و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد... و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس، با طبقه تحصیلکرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته ... و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند.



و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان؛ برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود. مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند.

...عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی؛ و چه بسا که در بعض مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.



در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند، و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها... و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شایک که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپالوگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف... ذخیره دارند... [که] با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند.

...علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند.



و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید؛ و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود. و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود؛ که اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند، از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیت‌ها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد... [روشن است] اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن، که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند.



وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون، در این زمان که دست ابرقدرت‌ها را از کشور خود کوتاه کردیم، مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرت‌های بزرگ هستیم... و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد.

{همه باید کوشش کنند} چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمیهای دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد.

چه مصیبت بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گرانبهارا که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری‌اند!



و وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید. و علماء اعلام و خطباء محترم کشورهای اسلامی؛ دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند. که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. و اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود.



باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه‌ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند؛ مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارند...

و وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمان‌های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید. و باید بدانید که وابستگی در بعض امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید. و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست.



وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستہ گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید.

با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شماستم پیشگان پستهارا اشغال می‌فایند. بنابر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز نمایید.



اگر شخصیت‌های پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند، از دانشگاه‌ها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود.

و دانشگاه‌ها اگر اسلامی - انسانی - ملی بود، می‌توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه تحویل دهد؛ لکن چه غم‌انگیز و اسفبار است که دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی؛ همه از غریزدگان و شرقرزدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاه‌ها کرسی داشتند؛ و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرت‌ها بزرگ شده و به کرسی‌های قانونگذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند، و بر وفق دستور آنان، یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می‌کردند.



از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشجویان است که به واسطه اهمیت فوق‌العاده‌اش تکرار نموده و با اشاره می‌گذرم.

باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاه‌ها بوده است. اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب‌کن بر ملت محروم غارت‌زده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج‌دیده در جیب قدرتهای شیطان ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و ... صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند.



و من به همه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی، وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادیخواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می‌کند، چنانچه امروز وفاداری؛ در وفاداری استقامت کنید. که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگی‌ها و پیوستگی‌ها به قدرت‌هایی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم‌پذیری نگه می‌دارند نجات می‌دهد. و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید. و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود و از دیوژگی از دشمن نجات یابد.



وصیت برادرانه من در این قدم‌های آخرین عمر بر قوای مسلح به طور عموم، آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاءالله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید، بیدار باشید و هوشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه‌ای غرب و شرق زده و دست‌های مرموز جنایتکاران پشت پرده، لبه تیز سلاح خیانت و جنایتکارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است؛ و می‌خواهند از شما عزیزان که با جانفشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند...

وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است؛ به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر این‌ها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی‌های سیاسی دور نگه دارند.



{به هواداران داخلی و خارجی گروه‌ها و اشخاص ضد جمهوری اسلامی و ملت} نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند... تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟

شما در این سال‌های پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است و می‌دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهای تان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه‌ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم. و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می‌رسد و شائبه قدرت‌طلبی در آن نیست گوش فرا دهید...



{به هواداران داخلی و خارجی گروه‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند}...

وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهانخوار خدمت می‌کنند و از نقشه‌های آن‌ها پیروی می‌کنند و ندانسته به دام آنها افتاده‌اند به هدر می‌دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می‌کنید؟ شما بازی خوردگان دست آن‌ها هستید... شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خانه‌های مجلل تیمی با زندگی اشراف، نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می‌دهند و شما جوانان را به کام مرگ می‌فرستند.

تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟



وصیت من به گروه‌ها و گروهک‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید به شماها - که خود را عالم و عاقل می‌دانید - باید آموخته باشد؛ که مسیر یک ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ‌پردازیهای ... غیر حساب شده منحرف کرد...

من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بی‌فایده و غیرعقلانه بردارید و گول جهان‌خواران را نخورید و در هر جا هستی‌د اگر به جنایتی دست نزدیک، به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان‌شاءالله می‌گذرند و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید؛ و الا در هر جا هستی‌د عمر خود را بیش از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است.



و وصیت من به گروه‌های مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احياناً به شرق تمایل نشان می‌دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد، گاهی طرفداری می‌کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام، از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می‌کردند و طعن می‌زدند، آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهادت اسلامی به خطای خود اعتراف، و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم‌صدا و هم‌مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شرّ مستکبران نجات دهید؛ و کلام مرحوم مدرس؛ آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت: «اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم؟»

من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم.



و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال‌تراشان و صاحب‌عقدگان آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار برید، و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرت‌ها سوق دهید، با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید، و انگیزه باطنی خود را که بسیار می‌شود خود انسانها از آن بی‌خبرند، بررسی کنید، ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید و به اختلاف‌انگیزی و توطئه‌های خائنه دامن می‌زنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز می‌کنید؟



اگر ما... با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیای عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم؛ و باید به خود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند؛ و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند.

... شما مسلمانان! بایند به ارزش‌های اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد؛ و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خودکفایی پیشروی می‌کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می‌دادند، امروز به طور چشم‌گیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و ان‌شاءالله تعالی در دراز مدت انجام خواهد گرفت. و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت؛ و اگر شده بود، ایران غارتزده غیر از این ایران بود.



یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است- بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند... و نه رژیم‌هایی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند... بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود چرخ‌های اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد.

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس‌جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده؛ و تحت تأثیر تبلیغات... واقع نشوید، و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید، و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیت‌های سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند.



به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال‌تراشان و صاحب‌عقده‌گان... آیا از یاد برده‌اید ستم‌هایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم پنهان روا می‌داشت؟ آیا می‌دانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای آمریکا بود و با آن عمل یک مستعمره می‌کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخائر آن چه می‌کردند؟ آیا اشاعه فحشا در سراسر کشور و مراکز فساد... از خاطرتان محو شده؟ ... و با کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می‌کنند و بر ضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان - که اسفناکتر از قیام مسلحانه است- نموده‌اند، پیوند می‌کنید و دست برادری می‌دهید؟... در کنار بازیگرانی که فاجعه چهارده اسفند را برپا کردند و جوانان بیگناه را با ضرب و شتم کوبیدند نشسته و تماشاگر معرکه می‌شوید؟... و عمل دولت و قوه قضاییه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای اعمال خویش می‌رسانند، شما را به فریاد درآورده و داد مظلومیت می‌زنید؟



وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حاکم و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرت‌های بزرگ جهان خوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است، مشاهده کردیم یا تاریخ‌های صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپر نشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده‌اند...!

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغات ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید...



و اما به آن دسته که از روی بعض اشتباهات یا بعض خطاها، چه عمدی و چه غیرعمدی، که از اشخاص مختلف یا گروه‌ها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند...

باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیه‌الله ^{روحی فداه} یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد... و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد و شماها روزی از کردار خود پشیمان می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد.

و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد. و آن روزی که ان شاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یکروزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوشش‌ها و فدکاری‌ها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند.



و اما به آن دسته که از روی بعض اشتباهات یا بعض خطاها، چه عمدی و چه غیرعمدی، که از اشخاص مختلف یا گروه‌ها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است؛ با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق... و گرفتاری‌های این جمهوری را در نظر بگیرید... از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حملهٔ مسلحانهٔ خارج مرز و داخل، و نفوذ غیر قابل اجتناب گروه‌هایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی و... اینجانب نصیحت متواضعانهٔ برادرانه می‌کنم که... برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند. و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد... اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد؛ و شماها روزی از کردار خود پشیمان می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد...



وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی‌هاها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و با مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمک، و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پول‌های گزافی که از سرمایه‌داران بی‌خبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمک‌های کلان می‌نمایند، آن است که شماها طرقي از این غلط‌کاری‌ها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید - و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید - تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم هم‌صدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاری‌های ملت به دست آمده حمایت کنید، که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید.



یک مرتبهٔ دیگر در خاتمهٔ این وصیتنامه، به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان، حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها؛ مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علؤ رتبهٔ آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخاستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصودی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایدهٔ توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده... و راهیانی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد... شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می‌روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است... شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیاء علیهم‌السلام و یکتا راه سعادت مطلق است.



وصیت من به همهٔ مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند... و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپردهٔ آنان نترسید! و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.



{گاه} این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه ... به گونه طرفداری از قداست اسلام {است}؛ که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و... و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه و حکومت و سیاست ... برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است... نقشه موزیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند. باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آن‌ها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب علیه السلام نیز با همان انگیزه، به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است.



از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوص ملت فدakar ایران از اسلام است. ادعای آنکه اسلام با نوآوردها مخالف است... یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند؛ گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند.



می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فدakarی‌های می‌کنند و چه حماسه‌های می‌آفرینند... و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند. و این‌ها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند، و نه در محضر امام معصوم صلوٰت الله علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندی تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم.



من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوٰت الله و سلامه علیهما می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه می‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بد رفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا علیه السلام آن شد که شد.. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران... در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فدakarی‌های می‌کنند و چه حماسه‌های می‌آفرینند.



اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است... و قبل از توجه به گرفتاریهای این کشور طاغوتزده... و با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن... قبل از آشنایی به مسائل، به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید؛ و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه‌پا... است، رحم کنید.

اینجانب هیچ گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود... لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه؛ با زحمات جانفرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند؛ و اگر این اقلیت اشکال تراش و کارشکن به کمک بشتابند، تحقق این آمال آسانتر و سریعتر خواهد بود.



آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا علیهم‌السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سر رشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است... و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله علیه و آله و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومت‌ها بوده از امور لازمه است.



به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید؛ همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمائید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُخْرِجْ أَعْدَاءَكُمْ**. و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون محبوبی گرمی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان { است } و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید...



اینجانب در اینجا یک وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند و به جوانان، چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم، که بیطرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروه‌ها و دولت‌هایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروه‌ها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضع‌هایشان در پیشامدهای مختلف را، با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند... ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.



و من به همه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی، وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادیخواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می‌کند، چنانچه امروز وفاداری؛ در وفاداری استقامت کنید. که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگی‌ها و پیوستگی‌ها به قدرت‌هایی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم‌پذیری نگه می‌دارند نجات می‌دهد. و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید. و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود و از دیوژگی از دشمن نجات یابد.



وصیت برادرانه من در این قدم‌های آخرین عمر بر قوای مسلح به طور عموم، آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاءالله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید، بیدار باشید و هوشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه‌ای غرب و شرق زده و دست‌های مرموز جنایتکاران پشت پرده، لبه تیز سلاح خیانت و جنایتکارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است؛ و می‌خواهند از شما عزیزان که با جانفشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند...

وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است؛ به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر این‌ها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی‌های سیاسی دور نگه دارند.



{به هواداران داخلی و خارجی گروه‌ها و اشخاص ضد جمهوری اسلامی و ملت} نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند... تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟

شما در این سال‌های پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است و می‌دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهای تان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه‌ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم. و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می‌رسد و شائبه قدرت‌طلبی در آن نیست گوش فرا دهید...



{به هواداران داخلی و خارجی گروه‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند}...

وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهانخوار خدمت می‌کنند و از نقشه‌های آن‌ها پیروی می‌کنند و ندانسته به دام آنها افتاده‌اند به هدر می‌دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می‌کنید؟ شما بازی خوردگان دست آن‌ها هستید... شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خانه‌های مجلل تیمی با زندگی اشراف، نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می‌دهند و شما جوانان را به کام مرگ می‌فرستند.

تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟



وصیت من به گروه‌ها و گروهک‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید به شماها - که خود را عالم و عاقل می‌دانید - باید آموخته باشد؛ که مسیر یک ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ‌پردازیهای ... غیرحساب شده منحرف کرد...

من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بی‌فایده و غیرعقلانه بردارید و گول جهان‌خواران را نخورید و در هر جا هستی‌د اگر به جنایتی دست نزدیک، به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان‌شاءالله می‌گذرند و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید؛ و الا در هر جا هستی‌د عمر خود را بیش از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است.



و وصیت من به گروه‌های مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احياناً به شرق تمایل نشان می‌دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد، گاهی طرفداری می‌کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام، از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می‌کردند و طعن می‌زدند، آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهادت اسلامی به خطای خود اعتراف، و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم‌صدا و هم‌مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید؛ و کلام مرحوم مدرس؛ آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت: «اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم؟»

من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم.



و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال‌تراشان و صاحب‌عقدگان آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار برید، و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرت‌ها سوق دهید، با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید، و انگیزه باطنی خود را که بسیار می‌شود خود انسانها از آن بی‌خبرند، بررسی کنید، ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید و به اختلاف‌انگیزی و توطئه‌های خائنه دامن می‌زنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز می‌کنید؟



اگر ما... با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیای عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم؛ و باید به خود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند؛ و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند.

... شما مسلمانان! پاینده به ارزش‌های اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد؛ و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خودکفایی پیشروی می‌کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می‌دادند، امروز به طور چشم‌گیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و ان‌شاءالله تعالی در دراز مدت انجام خواهد گرفت. و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت؛ و اگر شده بود، ایران غارتزده غیر از این ایران بود.